

نوروز باستانی، جشن دل انگیز بهار و رستاخیز پر غوغای طبیعت را به همه ایرانیان صمیمانه شادباش می گوئیم!

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بیانید سال نو را با جوشان ترساختن چشمehای امید به آینده از رهکدار کسترش چنبش خد رژیم آغاز کنیم و از پویه پر طراوت و شورآفرین نوشدنها الهام بگیریم که ما را به شکوفانی معنوی، به تلاش برای بی ریزی زندگی آزاد و انسانی فرا می خوانند.

شراره های مبارزه رهانی بخش خلقهای ایران بالا گیرید و در اوخر خود، توده های رنج و کار برخاکستر رژیم "ولایت فقیه"، شکستن کمر زمستان اختناق و فرارسیدن بهار آزادی را شادمانه چشیدن گیرند.

ادامه در ص ۲

کمیته مرکزی حزب توده ایران، نوروز باستانی، جشن دل انگیز بهار و رستاخیز پر غوغای طبیعت را به همه ایرانیان، به همه آنان که کار می کنند در کوره های رنج، پر امید پیکار می کنند، صمیمانه شادباش می گوید. آرزوی قلبی ما آن است که در سال آینده،

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۰۳، دوره هشتم،
سال ششم، ۱۳۶۸ اسفند

سال گذشته: در یک نگاه

تکیه کرده و هزاران خانواده را به عزای عزیزانشان نشانده می تواند کام در راه آزادی بردارد. آزادی و دمکراسی برای اینکونه رژیم ها به معنای مرگ و نابودی است.

به هر حال، مردم میهن ما در حالی سال ۶۸ را پشت سر می گذرانند که با دوموضع بسیار مهم رویرو مستند. بدون شک مهمترین مفصل برای خلق های ما، بحران فراگیر اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است. این بحران قبل از هرچیز زائید بحران سیاسی است و طبعاً مقصص اصلی نیز جز رژیم خد خلقی "ولایت فقیه" نبوده و نیست.

ادامه در ص ۴

آزادی بود. توده های میلیونی از تعبیره گذشته آموخته بودند که فقط در شرایط وجود آزادیهای دمکراتیک ویژه جوامع یافرمنک است که می توان به استقلال و شکوفانی اقتصادی و عدالت اجتماعی دست یافت. اما، دیری پیانید که با جانشینی رژیم دیکتاتوری جدید و موحشی درسیمای اسلامی، بار دیگر ترور و اختناق شدیدتری بر جامعه حکم رفма شد. انتظار برخی ها دایر بر اینکه گویا پس از مرگ خمینی شاید سیمای رژیم تغییر یابد نیز با نایابی رویرو گردید. و این نیز غیر مترقبه نبود. ریزی که سالها بر سر نیزه

سال ۱۳۶۸ در شرف پایان بازگشتد، بل ا نوع مشکلات عظیم مردم نیز پر آنچه از رژیم گذشته به اirth ماده بود افزود. سالی که پشت سرگذاردم، سالی سخت و دشوار است. بعد از چند ساعت بازگزاری مراسم سال نو، گام به سال ۱۳۶۹ خواهیم گذازد. سالی که پشت سرگذاردم، سالی سخت و دشوار بود. اکثریت مطلق مردم جامعه ما در سالی که گذشت با قدر و مذلت پیکاری و بیکاری دست یاریان و یاریان سالکرد حاکمیت مطلق خود را "چشی" گرفت. در طی این پازده سال رژیم نه تنها توانست

نورالدین کیانوری: اعدام هزاران جوان بیگناه را محکوم می کنم.

مشهدی درنگ جایز نیست!

خانواده های زندانیان سیاسی می ترسند عزیزانشان آماج کین توzi و انتقام جوئی دژخیمان جمهوری اسلامی قرار گیرند. چرا که این فرزندان دلاور خلق درهنگام بازدید گالیندویل با شجاعت به افشاء شرایط جهنمی حاکم بر سیاهچالها و شکنجه گاههای رژیم پرداخته بودند.

ادامه در ص ۲

کیانوری در برابر شکنجه کران و زندانیان اتهام جاسوسی را بشدت رد کرد و دستهای نیمه فلوج و انگشتان شکسته خود را نشان داد و از شکنجه سخن گفت.

در روزها و هفته های اخیر، در بی انتشار گزارش متفاوض گالیندویل، ناینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، رژیم کارزارهای وسیعی برای بهره برداری از نقاط ضعف آن برای اندخته است. رژیم و کارگزارانش بگونه ای درباره این گزارش حنجره درانی می کنند که گوئی این گزارش سراسر در تأثید رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی و سندیست محکوم کننده علیه نیروهای اهوزیسیون.

ادامه در ص ۲

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه" !



یک برداشت حکیمانه از روابط زن و مرد

از درس‌های حجت‌الاسلام سید علی اکبر حسینی درباره اخلاق درخانواده: ... این بینان مقدس (ازدواج) با خواستکاری آغاز می‌شود. یعنی تدبیر حکیمانه خدای متعال، مرد را مظہر خواستاری و عشق و تمثیل آفریده و زن را جلوهِ جمال و پذیرای عشق. و این تدبیر اختصاص به انسانها ندارد، بلکه حیوانات نیز مینظرورند. یعنی ابتدا جنس نر خود را شفته و دلبخته جنس ماده نشان می‌دهد و در بی او به خواستاری می‌رود و جنس ماده به ناز و جلوه می‌پردازد و زیبائی و لطف و جمال خود را به تماش می‌گذارد... (اطلاعات ۶۸/۱۱/۲۹)

- ظاهراً حضرت حجت‌الاسلام قیاس به نفس کرده‌اند.

علل تحولات اخیر شوروی

سید سجاد حججی، "نماینده" میانه در مجلس: ... پاید از آه مظلومین و مستضعفین پترسید. این آه و دعاهای شبانه آنان بود که بعد از هفتاد سال دکرگونی در شوروی بوجود آورد..." (اطلاعات - ۶۸/۱۲/۳).

توصیه‌های یک دیپلمات خبره

یکی از "نمایندگان" مجلس خطاب به "مجاهدان افغان": ... خواستان جمع باشد و به دام... شاه سعودی که می‌خواهد شما را به دین خود ساخته و هایا درآورد و در جریان بلوک آمریکا قرار دهد پیغاید، بلکه با مشورت و صلاحیت ایران و پاکستان امورتان را حل و فصل نماید و بس" (اطلاعات - ۶۸/۱۲/۳).

- با وجود ام القرای جهان اسلام، یعنی جمهوری اسلامی، مجاهدان افغان غلط می‌کنند به توصیه‌های پاکستان عمل کنند. خود پاکستانی‌ها می‌باید از ایران درس بکیرند.

زندگی آزاد و انسانی فرا می‌خوانند.

سلطان نوروز، رزمتان پیروز!

برقرار باد "جهه آزادی و صلح" ، سرنگون باد رژیم "ولایت قیمه"!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفند ماه ۱۳۶۸

درنگ جایز نیست!

زندان، یکباره تجدید نظر محکمه و محکوم به اعدام شده است و هم اکنون در سلول مرگ بسر می‌برد.

براین بینان، حزب ما، ضمن انشای این واقعیات نکران کننده در برابر انکار عمومی، از همه اعزاب و سازمانهای مترقب، ممه نیروها و شخصیت‌های آزادپیغواه و خارج از کشور می‌طلبید پسرد و سوت در داخل و خارج از جان زندانیان سیاسی که با تمام توان به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران پردازند. نباید درخواست خانواده‌های زندانیان سیاسی را بدون پاسخ گذاشت. نباید جان شماری از فرزندان زندانی خلق قریانی دیسیسه پردازی‌های تازه رژیم گردد.

زندانیان سیاسی ایران، مدافعان آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح هستند. دفاع از آنها، دفاع از آمرانهای انسانی آنهاست. این هشدار را باید جدی گرفت، درنگ جایز نیست.

در روزهای پس از دیدار نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد از ایران، شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی به اشکال و طرق گوناگون نسبت به سروشوست عزیزان دربندشان شدیداً ابراز نکرایی می‌کنند. این نکرانی ریشه عینی دارد. آنها من ترسند عزیزانشان آماج کن توزی و انتقام جوئی دژخیان جمهوری اسلامی قرار گیرند. چرا که این فرزندان دلار خلق درهنگام بازدید کالایدیل با شجاعت به انشای شرافت جهانی حاکم بر سیاه‌چالها و شکنجه گاههای رژیم پرداخته بودند. اگرچه در بسیاری موارد در گزارش نماینده اعزامی هیچ بازتابی دیاقته است.

افزون برآن، خبری بدست ما رسیده است مبنی بر اینکه یکی از هواداران حزب که پیش از این در بیداد گاههای رژیم به ۱۵ سال زندان محکوم گردیده بود، حال پس از تحمل سالها

هم میهنان عزیزا

سال پیش در بستری از کار و کوشش و درد و رنج و مبارزه سپری گردید و اینک سال نو با امیدها و چشم اندازهای تازه از راه می‌رسد.

سال گذشته باز همچنان بوم شوم رژیم خود کامه "ولایت قیمه" بر بام ایران و پیران شده در تیجه سالها جنگ و غوریزی و آزادی کشی خانه داشت و زندگی توده‌های مردم ناشی از پیامدهای پهوان رُوف اقتصادی - اجتماعی همانند بیکاری توده‌ای، تورم و گرانی افسار کسیخته، بی سرتاسری، قفر و تنکستی و نامنی، محرومیت‌ها و الودگیهای اجتماعی از جمله اعتیاد، فساد، فحشاء، رشوه و ارتقاء و...

بدتر از پیش شد. از سوی دیگر، شاهد تشید خصلت خد دمکراتیک رژیم بودم. بدیگر سخن، پیکرد، بازداشت و بازجویی و زندانی کردن و کشتار مخالفان ادامه یافت. همچنان قلمها را شکستند و تلاش ورزیدند مریانگ اعتراضی را در گلو خن ها زنید، اندیشه‌ها را به بند کشند و جلوی هرگونه سازمانیابی صنفی و سیاسی را بکیرند و یا یاری انواع نهادهای پلیسی و امنیتی حتی در خصوصی تون مناسبات و روابط انسانی و... دخالت کنند. در چنین فضایی بود که ماههای سال گذشته سراسر با نکرانی و اضطراب نسبت به سروشوست زندانیان سیاسی و هراس از موقع فاجعه دیگری همانند فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی گذشت.

در سال گذشته هرچند خمینی مرد و معتبرترین و پرنفوذ ترین شخصیت مذهبی و سیاسی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی از صحته خارج گردید، ولی رژیم، اگرچه بی ثبات تر از پیش، بی رما ماند و با گذشت ماهها و ماهها از

هشدار

مرگ او هیچ گشایش دمکراتیک در زندگی جامعه روی نداد، علت اصلی آن نیز نه پایگاه اجتماعی گستردۀ بلکه اتنکا، رژیم به سریزه و سرکوب وجود تشتبث و پراکنده‌گی در بین نیروهای مختلف آن است. عدم شرکت چشمکیر توده‌های مردم در "تمه برسی" بازنگری قانون اساسی و "انتخابات" ریاست جمهوری و پویزه انتخابات اینان دوره ای مجلس و نیز بطور کلی آنین‌های فرمایشی از پکسون، وبالاگرفتن دامنه انتراضات مردم بیویه زحمتکشان از سوی دیگر، نشانگر ازروای رژیم در بین خلق و عدم پرخورداری آن از پیش‌تیانی اکثریت مردم است. از این‌رو رژیم پعنوان نماینده اقلیت کوچکی از مردم با تشید ترور و خفغان تلاش می‌ورزد به حیات خود ادامه دهد.

هم میهنان!

در شرافت کنونی، جامعه بحران زده ما برای رشد و سازندگی، برای آینده بهتر و تامین خوشبختی برای انسانها، چون نیاز نور و هوا برای هرموجود زنده، احتیاج به یک نظام سیاسی متکی بر آراء مردم دارد. نظایری که از پشتیبانی اکثریت مردم پرخوردار باشد و بیانگر خواست و اراده و منافع آنها باشد.

بیانید با رجوع به خرد و واقع گرانی، بدبور از پیشداوری و با تحمل عقاید مختلف، دستها را بسوی یکدیگر دراز کنیم و گام در راه تشید مبارزه علیه رژیم قرون وسطانی "ولایت قیمه" پکذاریم. بیانید آنچه که یاس و عدم اعتماد به نیروی بیکران اتحاد هست، آئینه‌های زنگاریسته یاس را بشکنیم. بیانید سال نو را با جوشان ترساختن چشمۀ های امید به آینده از رهگذار گسترش جنبش ضد رژیم آغاز کنیم و از پویه بر طراوت و شرواآفرین نوشدنها الهام بگیریم که ما را به شکوفائی معنوی، به تلاش برای بی ریزی

نورالدین کیانوری: اعدام هزاران جوان بیگناه را محکوم می کنم

این سخنان گوش می داد، نیز از شکنجه سخن گفت. او ۲۵ سال را در زندانهای شاه گذرانده بودو اکنون نیز ۷ سال در اوین بسر می برد. این سه تن در پیک سلوول زندانی هستند.

آقای کیانوری، دیرکل سابق حزب توده اعدام هزاران جوان را که به گفته او پیگناء بودند، محاکوم کرد. اینان متمم به همکاری با حزب توده شده بودند، اما آقای کیانوری مسئولیت همه جرائم را که به حزب نسبت داده بودند، خود بعهده گرفت. وی رونوشت نامه ای را که در این زمینه به رئیس حکومت، یعنی آیت الله خمینی نوشته بود، به ثابتنده وزیر نشان داد:

آقای کیانوری، دبیر کل سابق حزب توده، گفت ۱۰ سال در زندان بوده است. از جمله هفت سال در زندان اوین. بارها او را شکنجه کردند. بطوطریکه دستهایش نیمه فلنج است. در جریان محاکمه از هرگونه حق پرخورداری از وکیل مدافع بی بهره بوده است.

حال آنکه نکاهی گذرا به این گزارش متناقض و حتی تعمق تنها بر سخنران رفیق نورالدین کیانوری، دبیراول پیشین حزب توده ایران پرای داوری پیرامون یاده سرانی های رژیم کافی است. سخنران جسارت آمیز رفیق کیانوری در برابر شکنجه گران و زندانیانان، یک بار دیگر از جمله به روشن ترین و جملی ماهیت عصیتاً خد دمکراتیک و خد انسانی رژیم "لایلت ققیه" را نشان می دهد و ثابت می کند که در ایران انسانهای بیگناه را تنها به جرم میهن دوستی و عشق بیکران یه انسانها بازداشت می کنند، به زیر شکنجه های هراسانک جسمی و روحی می افکنند و سراغنمیدون اثبات هرگونه اتهامی، بدست جوخه های مرگ می سپارند. با تقلیل سخنران رفیق نورالدین کیانوری از گزارش کالیندویل، در شماره اینده بار دیگر و این بار بطور مده جانبه به ارزیابی این گزارش خواهیم پرداخت.

را نشان داد و از دیگر شیوه های آزار سخن گفت. او دچار هراسی واقعی و رفتارش آمیزه ای از پرهاش و نویمیدی بود:

جوائزین این سه، یعنی عضو ساده، گفت که حزب او برای قدرتی بیکانه جاسوسی می کرده و برای پراندازی دولت توطئه می چیده است. زندانی دیگر این ادعایا را پسندت تکذیب کرد و سپس مشاجره حاجی میان آنها (با کیانوری) درگرفت. کادر حزبی، که به آواری به

سه تن از اعضای پیشین حزب توده در یک سلول پسر می بودند، آقای کیانوری، دیپرکل ساقی، یکی از کادرهای بالا و یک عضو ساده. تنها آقای کیانوری پذیرفت، که نامش در گزارش بیاید. او بشدت انکار کرد، که جاسوس یک قدرت خارجی بوده و قصد براندازی دولت انقلابی را داشته است. وی دریابر مستولان و کارمندان زندان تائید کرد، که شنکجه شده بود، دستهای نیمه فلنج و انگشتان شکسته خود

بخشی از پیک نامه

رژیم فریبکار و سفر آقای گالیندوپل

شارها و پلاکاردها هشت آذیزان کردند و
هر روز گروهی از یاسداران و
بسیجیان و عده ای زن عکس بدست را
جلوی محل سازمان می سرتادند.
آنان نیز با آزار و اذیت و توهین و
ضرب و شتم مانع از مراجعه خانواده
ما به دفتر و تماش با آنای گالیندویل
می شدند. روز چهارشنبه، چهارم
بهمن ماه، در ساعت ۲ بعد ازظهر،
این اوضاع به مادران داغدیده حمله
کردند و دو نفر از آنان را که درستین
بالائی بودند مصروف کردند و
شکایات و مدارک کشان را که به علت
عدم دسترسی به تماشیده سازمان ملل
به خانم جوانی سپرده بودند تا به
همراه شکایت نامه و مدارک خانواده
خوبیش به تماشیده کمیسیون حقوق
بشر پرسانند، از داخل چادر و پیرامن
الن زن جوان به غارت بردن و
خدوش را مصروف ساختند.

پدیتسان پاید گفت ده در
چریان سفر نایمنده سازمان ملل به
ایران، رئیم بطور عمدۀ از تماش مسنتیم
خانواره ما و کسان زندانیان و شهداء
با وی جلوگیری بعمل آورد. از اینرو
لازم است مجددا هیئتی با اختیارات
لازم و اخت تمهادت ضرور از حاکمیت
جمهوری اسلامی به ایران اعزام
گردد. آری چنین است "حقوق بشری"
که سران رئیم درباره آن خنجره پاره
نمی‌کنند.

نشوند. رژیم می‌چند هفته توشه
گرانه تمپیداتی فراهم کرد که ناینده سازمان ملل تواند از فعالیت‌های خود بپره گیرد و چزی دستگیرش شود. بسیاری از خانواده‌های اعدام شدگان را احضار و با تمپید و ارتعاب از آنان امضا گرفتند که گواه ضمۇ خانواده شان به علت بیماری درگذشته است. زندانیان زیر اعدام را به کرج و جاهای دیگر منتقل کردند و جمی پاسدار و بسیجی را به چای آنان گذارند. گورستان خاتون آباد را که تمددی از گورهای جمی در آنجا قرار دارد، پک هفت قبل مجدد دخاکریزی و کرت پندی کردند. آقای گالاندویل را روز جممه ۶ بهمن به گورستان خاتون آباد برداشتند و به او گفتند "در اینجا گور جمی وجود ندارد، اینجا زمین کشاورزی بوده و متعلق به قبرستان بهائی ماست". در عین حال، همان

روزی که قرار بود ماینده کمیسیون حقوق پسر سازمان ملل به خاتون آباد برود، در جاده خراسان در دو محل راهیندان بوجود آوردند و نگذشتند احدهی از خلواده های شهدا به تبرستان نزدیک شوند و از سه راه خاوران پیشتر برورند، حتی مانع رفاقت بهایان که در قسمتی از این گورستان کور پستکاشان قرار دارند، شدند. از سوی دیگر در مقابل محل ماینده کی سازمان ملل در ایران و در میدان آزادی این از بدو ورود میباشد.

انها بی تسبیب از هر بینش و درایلی
می خواهند برای همه تعیین تکلیف
کنند و به تمام معا مدعی خالقند. هفته
گذشته در سه نقطه مرکزی شهر
تهران به خانم ها و مقاذه داران حمله
کردند. زنان را هدف شرب و شتم و
توهین قرار دادند. شیشه مقاذه هائی
را که به اصطلاح لباس های جلف می
فروشند، شکستند. پرسنل زنانها
انداخته اند که دولت با این اعمال
موافق نیست و متعصیین تندرور دست
به این کارها می زنند. ولی باید گفت
اینها همان اعماقل را الجام می دهند که
در گذشته هم اجمام می دادند و سکوت
دولت در این رابطه را آیا جز رضایت
می توان پکونه ای دیگر تعبیر کرد؟
حاکمیت تا کنون هرگونه
اعتراض و حرکت مسالمت آمیز مخالفی
را با خرب و شتم و سروکوب، توقیف،
زندان و شکنجه با ساخت داده است. رئیس
با اعدام های جمعی سال ۱۷ آنهم به آن
شکل فجیع و تکان دهنده و ایجاد

مبارزات جدی و پیکر نیروهای مترقبی در داخل و خارج از کشور، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد را برآن داشت که هیئت را به سرهنگی کالیندوبل به ایران کشیل دارد. حاکمیت اسلامی که تحت نشار افکار عمومی به ناگفته به پذیرش هیئت تن در داد، تهدید کرده بود که تمهیلات لازم را برای کار آن فراهم کند و از جمله مزاعم کسانی که می خواهند با اضافی هیئت تأسیس پکیرند،

گورهای جمعی در خاتون آباد و دیگر گورستانها، درواقع می خواست با پاشیدن بذر رعب و وحشت، از مردم زهرچشم پکرید و سداه هر منقاد و معترضی را غخه سازد. براستی باشد کفت که تا امروز رعب و وحشت برای رئیم دستیار بزرگی بوده است. حاکمیت "اسلامی" که در رسانه های گروهی و روزنامه های دستتوپیس خود، زبان به انتقاد و شماتت و اعتراض نسبت به آزار، فکنجه و

سال گذشته :

گسترش طرقیت‌های تولیدی زیربنایی به منظور رساندن سطح تولید حداقل به مزد سالهای ۱۲۵۶ پژوهش‌شده، بلکه با اجرای سیاست عمیقاً ضد مردم خوش شرایط و روشکست اقتصادی و مالی را فراهم آوردند.

شاید مطرح شود که برنامه اول پنجساله عمرانی مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای تکمیلی به این فاجعه پایان خواهد داد.

"نامه مردم" به موقع خود ضمن بحث پژوهش‌برنامه پنجساله مفصل در این باره سخن کفته است. در اینجا به نوشه "اطلاعات سیاسی - اقتصادی" (مهرماه ۱۳۶۸) استناد می‌کنیم.

مجله در سرمهال خود پس از "اشارة کلی" به بن‌بست‌های سیاسی، ستون بودن تلاشها، شکست برنامه‌های اقتصادی، و کم رنگ شدن مداوم اهداف و آرمانهای سالم بشری در چشم اندازها و نیز پس از تذکر نیاز به درایت و دوراندیشی و مردم خواهی و ازیمان بودن فاصله حرف و عمل در "جهان سوم" در مورد برنامه پنجساله نوشت: "ده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در حاله ای از ابهام قرار دارد. برنامه ای که قرار است سنگ بنای آینده باشد تا کنون چندین بار دستخوش تغییرات عیقق و سعی شده و اسف انگیز آنکه دولت در آخرین روزهایی که پاید ارزیابی نهائی دریاره "چند و چون" برنامه اقتصادی و اجتماعی به عمل آید ناگزیر است بیش از همه دریاره توزیع عادلانه سبب زیمنی یا توفیق در زمینه پائین اوردن بهای ارز دریازار آزاد به میزان چند درصد صحبت کند و توان خوش را بفرساید".

کارشناسان اقتصادی جمهوری اسلامی پنهان نمی‌دارند که برنامه توسعه اقتصادی و فرهنگی به تصویب رسیده، "نشانگر داشتن تصور جامع و دورنمایی از پنج سال آینده نیست". در این برنامه نیز هدف چنانکه خود رفسنجانی اعتراف کرد استفاده بیشتر از صنایع وابسته موجود است. معنای این سخنان چز تشید و روشکست تغذیه دارد و این درحالی است که می‌تواند بزرگترین مسائل اقتصادی کشور که باید به آن توجه کافی مبذول داریم و آن را از نظر دور ندارم مسئله عدم استفاده از طرقیت‌های موجود در کشور است. هنوز "در خلی از پخش‌ها تولید ناخالص و ارزش افزوده نسبت به سالهای ۵۵ و ۵۶ پائین تر است".

وزیر وقت برنامه و بودجه، ۵ سال پیش مسئله مهم دیگری را مطرح کرد و گفت: "موضوع سرمایه‌گذاری کم و عدم گسترش طرقیت‌های تولیدی و زیر بنایی به نظر من از نکاتی است که واقعاً باید به آن توجه شود...".

وزیر مشاور، زمانی این وضع اسفبار را ترسیم می‌کرد، که اقتصاد کشور هنوز به سطح فاجعه بار کنونی سقوط نکرده بود. بنا براین سرانجام رسمی بخوبی از آنچه در کشور می‌گذرد باخبر بودند، ولی نه تنها کوچکترین کامی در جهت ترمیم سیر نزولی تولیدات صنعتی و کشاورزی از طریق سرمایه‌گذاری در جهت

اگر این ارقام گویا هنوز برای بی‌بودن به عمق خیانت رسم حاکم کافی نیست، به آمار نزدیک مراجعت کنید: صنایع کشور در فاصله سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۷ سالانه بطور متوسط ۷ درصد کاهش تولید داشت. یعنی ما نه تنها رشد صنعتی نداشیم، بلکه در تیجه سیاست اقتصادی غلط و خد خلقی رسم، تولید صنعتی به سرایی سقوط هدایت شد. رسم حاکم باخودداری از پایه گذاری صنایع پایه ای طی یازده سال، عملای وابستگی اقتصاد کشور به بازار جهان غرب را تشید کرد. پواسن آمار رسمی وابستگی صنایع کشور به منابع خارجی در سالی که گذشت به ۷۰ درصد رسید. اینکه بهره وری تولید صنعتی سالانه ۲ درصد کاهش می‌باید، نهونه بارز و اپس ماندگی و روشکست صنعتی است.

وضع در عرصه تولید کشاورزی نیز اسفبار است. جمهوری اسلامی سالانه نیازمند بیش از ۲ میلیارد دلار برای خرید مواد غذایی و نیز علوقه.... از خارج است. در مجموع سالانه ۱۰ میلیارد دلار صرف واردات انواع کالاهای و مواد غذایی و نیز مواد خام و قطعات یدکی و منفصله برای بهره برداری اندک از طرقیت صنایع موتناز وابسته می‌شود. آیا سردمداران رسم "ولايت قیمه" سیر نزولی می‌پیماید، دلیل بارز عقب ماندگی بی سابقه ایران از لحاظ اقتصادی و اجتماعی است. ما، امروز روز، در زمرة عقب مانده سرمهال کشورهای "جهان سوم" قرار داریم. و این برای ما تولد ای ما و هر ایرانی میهن دوست دردزا و شرم آور است. آنچه ما، امروز در آستانه سال نو، ضمن پرسی ترازنامه سالی که گذشت از کشور خود در ردیف عقب مانده ترین کشورها نام می‌بریم تبلیغات میان تهی نیست، بل واقعیتی انکارنایدیر است.

موضع بالعیت دیگر، تشید اختلاف در هرم و پیرامون حاکمیت است که خواه ناخواه در جهت فروپاشی رسم "ولايت قیمه" پیش می‌رود.

اگر این اصل که سنگپایه رشد فردای کشور را باید امروز گذارد صحیح است، در این صورت پاید گفت. رویدادهای کشور در همه عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در سال ۶۸ بیانگر فردای فاجعه بارتری برای حدود ۵۴ میلیون ایرانی است. با رشد نزدیک به ۴ درصد ساکنان کشور، از هم اکنون می‌توان گفت در آینده سروش تاریکی در انتظار ساکنان کشور ماست، اگر با وحدت و یکانکی بپا نخیم.

حزب توده ایران که ۸ سال از کار در راه سعادت انسانها در کشور مبارزه کرده و دهها هزار قربانی داده با توجه به وضع فاجعه بار میلیونها ایرانی، اهمیت فوق العاده ای به مستله رشد اجتماعی - اقتصادی متناسب با شرایط خاص تاریخی کشور داده و می‌دهد. اینکه اقتصاد میهن ما، ۱۱ سال پس از حاکمیت رسم "ولايت قیمه" سیر نزولی می‌پیماید، دلیل بارز عقب ماندگی بی سابقه ایران از لحاظ اقتصادی و اجتماعی است. ما، امروز روز، در زمرة عقب مانده سرمهال کشورهای "جهان سوم" قرار داریم. و این برای ما تولد ای ما و هر ایرانی میهن دوست دردزا و شرم آور است. آنچه ما، امروز در آستانه سال نو، ضمن پرسی ترازنامه سالی که گذشت از کشور خود در ردیف عقب مانده ترین کشورها نام می‌بریم تبلیغات میان تهی نیست، بل واقعیتی انکارنایدیر است.

می‌گویند ارقام و آمار، آئینه‌ای هستند که در آن می‌توان بسهولت "سیمای" جامعه را دید و دریاره حال و آینده اش ارزیابی دقیق بعمل آورد. ما هم، بالجاذب خوانندگان به ارقام و آمار

کارشناسان اقتصادی جمهوری اسلامی
پنهان نمی‌دارند که برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده، "نشانگر داشتن تصور جامع و دورنمایی از پنج سال آینده نیست".

رسمی مراجعت می‌کنیم:
طبق آمار منتشره در کتاب برنامه، تولید ناخالص داخلی ج. ۱. در سال ۱۳۷۷ (به قیمت های ثابت) حدود ۲۹۶۰ میلیارد ریال بود. اگر این رقم را با شانحن مشابه سال ۱۳۵۱ مقایسه کنیم، خواهیم دید که یازده سال پس از انقلاب ما هنوز به سطح تولید ناخالص داخلی در آن سال رسیده ایم. این بیانگر ژرفای بحرانی است که رسم کنونی ما را بسوی آن سوق داده و می‌دهد. نهونه دیگر، تولید ناخالص ملی سرانه ایران در سالی که گذشت (۱۳۶۸) حدود ۵۰ هزار ریال تخمین زده می‌شود. این رقم برابر شانحن مشابه سال ۱۳۴۷، یعنی ۲۱ سال پیش است. بودجه سرانه دولت در حال حاضر ۱۲۰۰ تومان (بازهم به قیمت ثابت) است. این رقم ۱۲۰۰ تومان کمتر از رقم مشابه سال ۱۳۵۷ است.

طرز اندیشه و عمل، البته تحت تأثیر اطراقیانش در مجموع توانسته بودند سالیان دواز توانزن شکننده در هم حاکمیت را حفظ کنند. مطالعه نظرات خمینی نشان می دهد که اگر وی در آغاز کار از "مستضيقان" گرچه در حرف دفاع می کرد، بعدها کمتر ظاهر را نگه می داشت و اساساً از "بازاریان محترم" طرفداری نمی کرد.

خدمتی زیر پوشش اسلام هرگونه آثار آزادی و دمکراسی را از میان برد. درواقع نقش دو خیم آزادیخواهان را اینها کرد.

منتظری بر عکس می کوشید تا خود را هم مدافعان آزادی و هم مدافعان "مستضيقان" نشان دهد. البته، او برای ایجاد موازنه در سیاست، صاحبان صنایع و بازرگانان را نیز فراموش نمی کرد. برای اینکه موضع منتظری را روشن کنیم از اظهاراتش در آغاز کار شاهد مثال می آورم:

"... می توان کفت به قول امروزها یک کودتای خزندگ و تدریجی برای اینین بردن فرزندان اصیل انقلاب و منزوی غودن آنها بوجود آمده و وضعی پیش آمده که پتدربیح افراد مستقل و آزاد... در مععرض خطر حذف و ازدوا قرار گرفته اند و به نظر من این یک خطر بزرگی است" (کیهان - ۲ - ۶۲ دیماه).

"... مراجعت و تعقیب و واردگوzen افراد به اعتراف و اقرار به گناه، شرعاً مطلوب نیست... حق دناردن قبل از رسیدگی و تشخیص مقام قضائی آبروی کسی را ببرند و شاید کنند که فلانی اتفکارش فلان است" (کیهان - ۱۰ دیماه).

"متاسفانه مشاهده می شود امروز مسئله تهمت زدن و انک چسباندن به افراد خوب با آنهمه سفارشات اسلام در مورد حیثیت اشخاص رایج شده" (همان جا).

برادران عزیز در سپاه به این حقیقت توجه داشته باشند که اگر بخورد آنان با مردم تندا و خارج از روحیه اسلامی باشد تمام اینها به حساب اسلام و انقلاب گذاشته می شود... سپاه حق توهین کردن به افراد متهمن یا بستکان و زن و پیچه آنها را دنارد" (کیهان - ۱۱ بهمن).

به نظر می رسد این نقل قولها موضوع منتظری را که در مواردی در نقطه مقابل نظر خمینی و یارانش بود، تا اندازه ای روش نمی کرده باشد. فرق منتظری با اکثر روحانیون حاکم و از آجمله شخص خمینی در آن بود که منتظری واقعاً هم به اسلام معتقد بود و هست. و مثل خمینی و اطراقیانش غرق در بازیهای سیاسی نبوده.

با وجود گوشدهای متعدد خمینی، منتظری تا آخرین روز یک کش قائم مقامی "امام امت" از زدن نیش به دیگر سردمداران رژیم و از آجمله خمینی خودداری نکرد. در این زمینه چنانکه گفتم تأثیر اطراقیانش به سرهستی مهدی هاشمی را نباید نادیده گرفت. برای این نیز خمینی و مشاورانش نخستین ضربه را به مهدی هاشمی و گروهش وارد آورده. هدف منتظری خلخ مقام کند.

"امام این بود که با یک تیر دونشان زده باشد؛ اولاً، نشان دهد که چکونه با "افراد نایاب" انشاکنندگان "اسرار مکو" (ماجرای ایران - گیت) رفتار می شود. ثانیاً، به منتظری هشداری داده باشد.

آن بنا شده است. این رژیم "ولایت قیمه" است.

آغاز فروپاشی

یکی از رویدادهای مهم سال ۱۳۶۸ مرک خمینی است. گذشت زمان سخت نظر ما، دایر بر تشید هرچه بیشتر اختلاف میان جناهای گوناگون حاکمیت پس از مرگ خمینی را به ایام رساند. درواقع مرگ خمینی روند فروپاشی رژیم "ولایت قیمه" را که مدت‌ها پیش از آن آغاز شده بود، تسريع کرد. جنجال چند ماه اخیر پیرامون "عدم مشروعیت" "ولی قیمه" و "ولایت مطلقه" در سیمای خامنه ای و نفی صلاحیت وی از جانب عده زیادی از روحانیون و نیز غیرروحانیون که دامنه آن به حاکمیت نیز کشیده شده بجمل آغاز فروپاشی است.

یکی از رویدادهای جالب سال ۱۳۶۸ ورود منتظری به عرصه سیاسی کشور پس از مدت‌ها سکوت و انحراف است. برای رسیده یاری تشید اختلاف بجاست این روند را در ارتباط با فعالیت مجدد منتظری و حملات شدید به وی مورد بررسی قرار دهیم. برای این نیز باید نخست به این پرسش پاسخ داد: منتظری چه می گوید و چه می خواهد که سران رژیم این چنین به خوشنوش تشنئه اند؟

برای پاسخ به این پرسش باید یادآور شد که مسئله اختلاف و تلاش برای حذف یکدیگر در میان سران رژیم "ولایت قیمه" تازگی ندارد. از نخستین روز قبیه حاکمیت توسعه خمینی پس از انقلاب پرخورد میان سردمداران رژیم، اعم از معمم و مکلا، آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد. حذف بازرگان و اطراقیانش، حذف پنی صدر، حذف منتظری، کنار گذارده شدن عملی موسوی نخست وزیر سابق، کنار گذارده شدن محتشم سرdestه "افرامیون" و... نونه های پرجسته این نبرد برس حاکمیت بشمار می روند.

گروه رفسنجانی - خامنه ای که مرگ

خمینی را نزدیک می دیدند و بدرستی می

طن دو دهه گذشته حدود ۲۵۰ میلیارد دلار از طریق فروش نفت خام بدست آمده و تقریباً ۱۵۰ میلیارد دلار آن مربوط به یازده سال اخیر است. چرا سران رژیم در این باره توضیحی به مردم نمی دهند. این نیز عظیم که می توانست بطور نسبی به واپس ماندگی اقتصاد کشور پایان دهد به چه مصرفی رسیده است؟

دانستند که درصورت باقی مادن منظری در مقام قائم مقامی خمینی، آنها از اداره امور کشور کنار گذارده خواهند شد، از همه امکانات استفاده کرددند تا خمینی در ایام حیات از منتظری خلخ مقام کند.

چرا گروه رفسنجانی - خامنه ای از منتظری مراس داشتند و به چه علت خمینی در اوایل او را به دیگر روحانیون ترجیح داده بود؟ خمینی و منتظری با وجود اختلافهای زیاد در

در یک نگاه

نیروی انسانی فعال آن ۱۳ میلیون برآورد شده است. با یک محاسبه سرانگشتی می توان گفت تعداد بیکاران آشکار و بنهان در جمهوری اسلامی به ۶ میلیون تن می رسد. براساس بررسی دکتر حسین عظیمی، کارشناس برنامه و بودجه جمهوری اسلامی، "۵۶ میلیون نفر انسان، باید با کار حدود ۷ میلیون نفر زندگی کنند. به عبارت دیگر بارتکلف در جامعه چیزی در حدود ۸ است، یعنی هریک نفر که کار می کند بطور متوسط باید هزینه زندگی ۸ نفر را تامین کند. این عدد برای کشورهای پیشرفتی حدود ۲ تا ۲/۲ است".

آمار اشتغال در سال ۱۳۵۶ نشان می دهد که حدود ۴/۲ میلیون خانوار بیکار در فقر مطلق بسر می بندند. طبق همین آمار اکثر فقری براساس کالاهای جبری بندی شده رسم شود و هزینه گذانی بذانی براساس کالا، ۱۴۰ ریال در روز باشد، حدود ۱۷ میلیون نفر از جمعیت زیر این خط زندگی می کنند.

آمار سرشماری سال ۶۵ وضع استنک مسکن را هم نشان می دهد. به موجب این آمار بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور حداقل در ۲ اتاق زندگی می کرده اند و حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون نفر از این گروه را خانوارهای ۵ نفری تشکیل می دانند. حدود ۷ میلیون نفر نیز که در یک اتاق زندگی می کرده اند دارای خانوار ۴ نفری بوده اند. ما در اینجا روی مفصل اجاره بها که حدود ۵۰ درصد درآمد خانوارهای اجاره نشین را می بلعد تکیه می کنیم. اما، توجه به یک رقم نشاندهندۀ وضع فلاکتیار مردم را ضروری می دانیم. طبق بررسیهای انجام شده در کشور، هزینه مصرفی سرانه جامعه از سالانه ۵۰ هزار ریال در سال ۱۳۵۷ به ۲۰ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. این روند همچنان ادامه دارد.

دولت رفسنجانی در کلیه زمینه ها از جمله در زمینه تغییر ارزش دلار و دادن امتیاز به وارد کنندگان کالا، طبق فرمول زیر عمل "ورود همه کالاهای ممنوعه در شرع مقدس" آزاد است.

آری مردم ایران با چنین بارسنجنی سال ۱۳۶۸ را بهشت سر می گذراند. سران رژیم و از آنچمه رفسنجانی می از این وضع فلاکتیار آگاهند. سخنرانی چند روز پیش وی که طی آن مطابق معمول وعده های زیادی داد، موید نگرانی او و پارانش از اوج خشم و نفرت میلیونها انسان محروم است. او، انواع ارقام درباره رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی به خورد مردم داد، مردمی که بحق می پرسند این تولیدات کجا هستند و چرا قیمت ها هر روز سیر صعودی دارند.

البته آفای رفسنجانی سفسطه می کند. وی با ساختن خود تصد "آرام" ساخت افکار عمومی در آستانه سال ۱۳۶۹ را دارد. اما، مردم شاهد فروپاشی تدریجی و گام به گام سنگینه رژیم هستند که ریاست جمهوری رفسنجانی روی

آن را درک می کند.

پایان تدریجی فروکش جنبش

گسترش، گرچه نسبی جنبش اعتراضی مردم علیه رژیم قرون وسطانی خود کامه به مثابه مظہر ترور و جنایت به عنوان یکی دیگر از پیروگاهای سال گذشته، امیدوار کننده است. اواخر سال ۱۳۶۸ از جهات گوناگون قابل توجه است. مهمترین آنها به نظر ما فروریختن پایه های هراسی است که معمولاً رژیم های سرکوبکر و استبدادی برای حفظ حاکمیت خود در جامعه ایجاد می کنند. ظاهراتی که اخیراً در تهران و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک روی داد و بطور عمد خودجوش نیز بودند گویای پایان فروکش تدریجی جنبش است. احتمال اینکه این روند در سال ۱۳۶۹ تشدید گردد وجود دارد. نیز تعدد های محروم دیگر حاضر نیستند بارسکنکن قدر و فلاکت را بدشون بکشند. مردم آزادی می خواهند تا توانند به عدالت اجتماعی حقق بخشنده. به نظر ما این یکانه راه منطقی است. اما چکونه باید به آن دست یافت؟

در اینجاست که یکی دیگر از مسائل حیاتی، یعنی مفصل اتحاد نیروهای سیاسی خود رژیم "ولایت قیمه" و خواهان آزادیهای دمکراتیک مطرح می شود. ما می گوییم مفصل، زیرا واقعاً هم این موضوع در ظاهر ساده و همه فهم در کشور ما به یک گره کوری مبدل شده است. در سالی که گذشت احزاب و سازمانهای دمکراتیک مانند گذشت با از دایره حرف بیرون نگذارند. درواقع نیز همه درباره ضرورت عاجل عمل مشترک سخن گفتند، اما پیش روی در این راه را بدست فراموشی سپارندند.

ایران نیاز به یک حکومت دمکراتیک ناشی از اراده واقعی مردم دارد. به باور ما در شرایط شخص اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کوتني جامعه ما، هیچ حکومت دیگری غایی تواند به خواستهای عاجل ایرانیان تحقق بخشد. آیا می توان به این عدف انسانی دست یافت؟ ما تode ایها همیشه به آینده خوشین بوده ایم و امروز نیز هستیم. به عقیده ما، اگر شرط ضرور و لازم اتحاد نیروها عملی گردد - همه ما، بدون استثناء، باید در این راه با سرعت کام برداریم - میتوان قاطعانه به فروکش نهضت پایان داد و شرایط اوج آن را که هدفش سرنگون کردن رژیم "ولایت قیمه" و ایجاد حکومت دمکراتیک باشد، فرامم آورد. هم اوضاع و احوال جامعه ما و هم رویدادهای جهانی هردو پسورد مردم ایران سیور می کنند.

سردمداران ایران باید بدانند که در جهان یکپارچه، بهم بسته و بهم بروسته در جهانی که در آن بربایه نوادریشی تغیر و تحول گفین جریان دارد و هرچه زرتر می شود، غمی توان کشور را با احکام جزءگرای "ولایت قیمه"، با توصل به احکام قوه روحانیت و احادیث اداره کرد، غمی توان از حریه ای به نام "نیروهای مذهبی" که هر روز بیشتر گند می شود برای چلوگیری از کوشش توده های میلیونی برای دستیابی به آزادی و دمکراسی که خود به معنای دستیابی به پیشرفت و استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی است، استفاده کرد.

اخیراً رئیس قوه قضائیه رژیم طی یک سخنرانی مطابق معمول بدون بودن نام، با اشاره به سروشوست اسفبار شریعتمداری، آشکارا منتظری را تهدید کرد. چرا؟ برای اینکه منتظری از سوی اسوار پشت پرده رژیم را فاش می کند و از سوی دیگر در شرایط پسیار حاد،

سردمداران ایران باید بدانند که در جهان یکپارچه، بهم بروسته و دارای واپسگویی متناسب بازیابی درجهانی که در آن بربایه نوادریشی تغیر و تحول گفین جریان دارد و هرچه زرتر می شود، غمی توان کشور را با احکام جزءگرای "ولایت قیمه"، با توصل به احکام قوه روحانیت و احادیث اداره کرد.

اواخر سال ۱۳۶۸ از جهات گوناگون قابل توجه است. مهمترین آنها به نظر ما فروریختن پایه های هراسی است که معمولاً رژیم های سرکوبکر و استبدادی برای حفظ حاکمیت خود در جامعه ایجاد می کنند.

خداداری عده قابل ملاحظه ای از روحانیون از شناسانی خامنه ای به عنوان رهبر، آب به آسیاب آنها می ریزد. مخالفت صریح منتظری با وام خارجی و اظهارات وی دایر بر اینکه برنامه پنجماله عمرانی کشور بطور عمد و باسته به وام خارجی است، بیش از پیش اتفاقاً عمومی را علیه سردمداران کوتني رژیم برمی انگیزد.

از آنجه گفته می توان تتجه زیرین را گرفت. ورود منتظری به صحنه سیاسی و گروههای سیاسی، مبارزه برسوردتر در هر حاکمیت و پیروامون آن را تشدید می کند. در حالیکه مبارزه با منتظری و اطرافیانش که هم در دولت، هم در حوزه های علمی قم و مشهد و هم در میان سپاه و ارتتش و کمیته ها و غیره دارای نفوذ است، نیاز به همکاری رفسنجانی و خامنه ای دارد، ما شاهد اختلاف شدید میان آنها هم می‌سیم. خامنه ای در عین مبارزه با منتظری (ظاهرات سازمان یافته علیه وی در قم با شعارهای "مرگ برلیبرالیسم" و "مرگ برض و لایت قیمه" فقط نموده ای از آن است) مجبور است برای حفظ مقام خود با مخالفت با سیاست رفسنجانی به "تندروها" پاچ بدد. شواد

نشانگر عقب نشینی های تاکتیکی رفسنجانی و سکوت وی در مرحله کوتني پیکار برسوردتر است. می توان گفت رفسنجانی فعل نظاره گر مبارزه خامنه ای و مخالفانش است. آیا این تاکتیکی می تواند مدت زمان زیادی ادامه باید؟ البته نه رفسنجانی غمی تواند خونسردانه ناظر فروپاشی رژیم "ولایت قیمه" به رهبری خامنه ای باشد. نیز در اینصورت، خود وی نیز محکوم به نابودی است. آینده نه چندان دور تتجه نهائی تغیر در ساختار گروههای رفسنجانی به این این اشاعر می شد.

چندی پیش نشریه "میدل ایست" چاپ لندن پس از یادآوری ماجراه ایران گفت که هنوز در خاطره ها زنده است، درباره معامله جدید نفت با اسرائیل نوشت، این یک گام تاکتیکی از جانب رفسنجانی برای نزدیکی به کشورهای غربی بود.

اما، گذشت زمان خطاب بودن این تاکتیک خمینی و مشاورانش را به الیات رساند. "کدولوت" میان رهبر و قائم مقامش عمیق تر شد. در اینجا نباید نقش رفسنجانی و خامنه ای و دیگران را نادیده گرفت.

منتظری در سخنرانیهای خود خصلت خد دمکراتیک رژیم را که دامن خانواده خود وی را نیز گرفته بود پیشتر مورد انتقاد قرار داد و خواهان دادن آزادی و بازگرداندن روشنگران مهاجر ایرانی ... گردید. همه اینها در تزلزل پایه های لرستان رژیم موثر بود. منتظری می باشد از مقام خود معزول شود. بدینسان او نه تنها از دیدگاه مردم "مظلوم" ، بلکه از دید روشنگران دارای اعتقد به اسلام و یا به قول دارای "سابقه انتلابی" و "عاقل باکافیت" به مطلب "مبارز ارزشیهای لیبرالیسم" تجدیل شد. این رویدادها در شرایط نزدیک شدن پایان حیات خمینی که سران رژیم مریک می کوشیدند تا مخالفان خود را از میان بردارند، به هیچ وجه غیرمنتظره نبود. آنچه سران رژیم انتظارش را نداشتند ورود مجدد منتظری به عرصه سیاست بود.

انتخاب سرعی خامنه ای به جاذبین خمینی غمی توانست مورد قبول باشد. خمینی از روحانیونی گردد که از لحاظ مدارج مذهبی و سوابق مبارزه سیاسی در سطح پسیار بالائی قرار داشتند. خامنه ای، هم نسبتاً جوان بود و هم فاقد پیشینیهای خوب. همه می دانند که منتظری قبل از انقلاب سالیان دراز در سخت ترین شرایط در زندان پسر برد است. افزون براین، حتی آنانی که در مجلس خبرگان به خامنه ای رای دادند از طرز اندیشه مذهبی و سیاسی ناصحیح وی آگاهند. شیادی در سیاست ازویزگاهیهای "رهبر جدید" است. در این مورد مشخص، میان وی و رفسنجانی فرق نیست. درست به این علت آنها، بلاغاً صله پس از مرگ خمینی قرار همکاری گذاشتند و عالی ترین مقامهای جمهوری اسلامی را بین خود تقسیم کردند.

انتخاب خامنه ای به مقام رهبری، حتی با موافقین پذیرفته شده در اسلام فتاوتی هم غمی تواند. برای این نیز تشدید اختلاف در درون و بروز از حاکمیت اجتناب ناپذیر بود. تصادفی نیست که منتظری پس از ورود مجدد به عرصه سیاست، نخست خامنه ای و رفسنجانی را (بدون بودن نام آنان) مورد حمله قرار داد. مثلاً، وی فروش نفت به اسرائیل را "خیانت" دولت نامید و پذیرانی از چاؤشسکو را محکوم کرد. اگر در مورد نخست، یعنی "معامله نفت" رفسنجانی غیرمستقیم هدف حمله بود، در پذیرانی از چاؤشسکو خامنه ای افشاء می شد.

چندی پیش نشریه "میدل ایست" چاپ هنوز در خاطره ها زنده است، درباره معامله جدید نفت با اسرائیل نوشت، این یک گام تاکتیکی از جانب رفسنجانی برای نزدیکی به کشورهای غربی بود.

سفری بی پایان

سنگ پرسنگ نهادم
پاری

خانه ای ساختم از جنس زمین .
آب و توفان و خزه همسفرم .

جلکه ای روئین پرداختم از سوسن و گل ،
تا زمین سبزه گرفت .

چشمچه چوشید و زلال آمد الماس نگاه ،
گره انداختم از پشت سرانگشت خرد ،
برگذار تپیش جاری رود .

ابرقفسوده گستت ،
پیخ دیرینه اندوه کهنسال شکست .

رسپهاران کمر پسته عشق ،
آقابی به گمند ،

خنجری برپس پشت ،
آشنا باگذر و ناگذر خوان زمین ،

در فراسوی جهان روئیدند .
رسپهار سفری شورانگیزم

آری

سفری در هامون ، برد ریا

سفری پویان بر گوده رهوار زمین

سفری بی پایان
به فراسوی فراخ شهری رویه پکاه .

فرهاد

شرع و قانون اساسی منتشر می شاید ، شورای نکهبان هم گزارش کار روزانه خود را در مورد مصوبات مجلس محترم شورای اسلامی و تیجه انتخابات در حوزه های رای اعلام می شاید
بیله دیگ ، بیله چندترا شورای نکهبان کاری به قانون ندارد ، چون مجلس بیز به همین سیاق رقتار می کند! مایش قانون جنگل حاکم بر روابط ارگانها و نهادها در جمهوری اسلامی ، آنهم تا به این حد علی و آشکار ، تنها از درمان ناپذیری و تشدید روزافزون اختلافات درون حاکمیت حکایت می کند .

بعضی فرود در فرودگاههای خارج در هواپیمای هواپیمایی ملی ایران نگه می دارند و به ایران باز می گردانند و روانه زندان و شکنجه گاه می سازند .

حادیه ای که چندی پیش در فرودگاه لندن اتفاق افتاد شاهدی براین واقعیت است .
خانم که بیز از پرواز هواپیمای ملی از تهران و خارج شدن از مرز کشور با صدای بلند نفرت خود را از محیط خفغان آور ج . ۱ . بیان داشته و به عنوان انزجار و اعتراض روسوی اش را از سر باز کرده بود ، بیز از فرود هواپیما در فرودگاه لندن ، توسط این جاسوسان در درون هواپیما نگه داشته شد . خوشبختانه با استمداد و همیاری یکی از مسافران هواپیما و سامت ماموران فرودگاه لندن و پلیس فرودگاه بالاخره این مسافر نجات یافت و توانست خود را از شر آنها رها سازد .

اختلاف و نزاع جدی میان "هیئت اجرائی" و "هیئت نظارت" وجود داشته است . به این ترتیب که "... برآسان آراء اعلام شده هیئت اجرائی ، دو نفر از کاندیداهای محترم به حد نصاب لازم برای ورود به مجلس رای

آورده بودند ، در صورتی

که برآسان آراء

استخراج شده توسط

هیئت نظارت می باشد

سه نفر از کاندیداهای که حد نصاب رای را آورده

بودند ، به مجلس راه پیدا کنند" !

به گفته رئیس ستاد نظارت ، پس از شمارش دوباره آراء و ابطال تعدادی از صندوق های اخذ رای ، تیجه امر به تأیید هیئت نظارت مرکزی می رسد . و بالاخره در این میان ، ظاهرا

зор هیئت نظارت می چرید و موفق می شود نفر سوم واجد رای را به هیئت اجرائی تحمیل کند .

برآسان مدرجات نامه "وقوع تخلفات نیز گزارش گردیده بود که توسط قوه محترم قضائی در حال رسیدگی می باشد" . تازه این تمام انتضاح نیست . به نوشته رئیس ستاد نظارت

"... مسائل دیگری هم وجود داشت که انتشار آنها در جامعه جز متوجه کردن جامعه اسلامی تمدید ندارد" و این ممه رسوایی در اطراف انتخاباتی است که منتخب اویش توانست حتی

۴۰۰ هزار رای بدست آورد .

گذشته از مسئله انتخابات ، نامه "رئیس

ستاد نظارت" (وابسته به شورای نکهبان) از نظر

نمایش عمق و حدت اختلاف میان نهادهای طراز

اول ریز نیز قابل امعان نظر است . وی در پاسخ به اعتراض مطروحه پرآموخت اعلام نتیجه

انتخابات از سوی شورای نکهبان (که قاعدتاً می باشد از سوی وزارت کشور اجماع گیرد) می نویسد :

"... در پاسخ به این مطلب که چرا نتیجه انتخابات در حوزه های انتخابیه از سوی شورای نکهبان مطرح می شود ، به استحضار عالی می رساند ، همانطوری که مجلس محترم ، مصوبه ای را به تصویب رسانده و قبول از اطهار نظر شورای محترم نکهبان در انتباق آن با موافین مقدس

..." در پاسخ به این مطلب که چرا نتیجه انتخابات در حوزه های انتخابیه از سوی شورای نکهبان ، مطروح می شود ، به استحضار عالی می رساند . اکنون سه ماه پس از پایان انتخابات و از خلال محتویات نامه پیشکشته روشن می شود که برسر تعداد آراء استخراج شده نیز

در آذرماه امسال ، ریز جمهوری اسلامی ، انتخابات میان دوره ای "مجلس شورای اسلامی" را برگزار کرد . همان زمان "نامه مردم" در شماره های ۲۹۱ و ۲۹۵ با استناد به اطلاعات رسمی دستگاه دولتی ، نشان داد که این انتخابات با شکست و رسوایی کامل ریز حاکم خاتمه یافته است . شمار

اندک رای دهدگان و بی رونقی حوزه های

انتخابیه به حدی بود که وحشت و نگرانی آشکار پرسخ از واستانگان به ریز را نیز سبب شد . اما ظاهرا کار به معین جا خاتمه نمی یابد .

آنطور که از نامه رئیس ستاد نظارت بر

حوزه های بی رونق ، در شواباطی که "رقبای انتخاباتی" ، کسانی جز عمال ریز نبوده اند ،

أنواع تقلبات و اعمال خلاف قانون جریان داشت است . این نامه سه ماه پس از پایان

"انتخابات" ، در روز ششم استناد ماه در روزنامه های مجاز چاپ شده و طی آن "رئیس ستاد

نظارت" دلایل "تأخر در اعلام نهایی نتایج انتخابات" را تشریح کرده است . نامه مذکور اعتراف ناخواسته ای است به فساد کامل ریزی که هرگونه مشروعیت سیاسی و اخلاقی را از

کف داده و واستانگان به آن برای کسب موقیت های ممتاز از بکارگیری زشت ترین

شیوه های نیز اینان ندارند .

بیاد دارم که پس از پایان انتخابات ،

ابتدا اعلام شد که دو تن از کاندیداهای

نمایندگی از تهران ، حد نصاب لازم را بدست آورده اند . چند روز پس از آن ناگهان گفته شد

که سه نفر از کاندیداهای در دور اول به مجلس راه یافته اند . در آن زمان میچکونه توضیح از

سوی مراجع مستول در این پاره داده نشد .

زیرا طبق آرقام نهایی ارائه شده از سوی وزارت

کشور ، تنها دونفر می توانستند به مجلس راه یابند . اکنون سه ماه پس از پایان انتخابات و

از خلال محتویات نامه پیشکشته روشن می شود که برسر تعداد آراء استخراج شده نیز

بی اعتمانی جنایتکارانه!

ساواک جمهوری اسلامی برای خشی کردن اقدام احتمالی "هواپیماریاپان" ، نتشه

بنابر اطلاعات موقع ، در هر پرواز داخلی ایران - ایر (هواپیمایی ملی ایران) سازمان

امنیت و اطلاعات ریز ج . ۱ . تعداد ۸ تن از ماموران خود را همراه مسافران به درون

هواپیما می فرستد . تعداد اینکوئه مسافران کاذب و یا جاسوسان و خرابکاران تروریست

جمهوری اسلامی در پروازهای خارجی هواپیمایی ملی ۱۲ تن را تشکیل می دهد . این جاسوسان

دو وظیفه مهم را بعده دارند :
الف ، در صورت تلاش هواپیماریاپان

احتمالی برای ریومن هوایپما ، به هرچشمی ،

حتی با درگیری مسلحان ، اقدام آنان را خشی

کنند . برای طراحان جنایتکار و وزارت اطلاعات ،

سرنوشت سرنوشنیان بیگانه هوایپما که از این

رهنگر می توانند دچار مخاطرات جدی شود ،

اممیتی ندارد ،

ب ، این جاسوسان که خود را در میان

مسافران هوایپما جازده اند در تمام طول پرواز

با انواع شیوه های بکار جاسوسی و کسب خبر

مشغولند .

هم در پروازهای داخلی و هم خارجی این

جاسوسان بمحض کسب اطلاع از وجود

مسافرینی که در هوایپما (بیویه) در پروازهای

خارجی (دم از سختی ها و فشار زندگی در

جهنم) جمهوری اسلامی می زندند . در

فروندگاههای ایران آنها را توقیف می کنند . و اگر

مسافرینی به خارج از کشور پرواز کنند آنها را

فرار دیکتاتور

مبارزه مشکل مردم هایتی در هفته های اخیر علیه زنگ آوریل، رئیس جمهور خود کامه آن کشور، وی را مجبور به استعفا کرد. از هایتی خبر می دهد که روز دو شنبه زنگ دست نشانده با یک هوایی نظامی آمریکا کشور را ترک کرد. می گویند نخستین محل تبعید وی فلوریدا خواهد بود.

الای حزب غی بینند، اما مخالف انشعاب هستند. ایناگارو، یکی از کمونیست های قدیمی و از هاداران "ناتا" در سخنرانی خود اظهار داشت: "اختلاف با آ." اوکتو" وجود دارد و باید آن را در نظر نگرفت. اما، هرقدر ما به آرامی آن را پرسی کنیم، البته بدون روحیه راقابت، بدون لغت کردن، به همان اندازه بهتر می توانیم درباره مبارزه عمومی مذاکره کنیم".

او خطاب به آنانی که در این روزها نفعه انشعاب در حزب را در روزنامه ها سروداده اند

گفت که آرزوی آنها برآورده نخواهد شد.

پس از بحث های حاد، رای گیری بعمل آمد. ۷۷ درصد از گویندگان شرکت کننده در کنگره فوق العاده به پیشنهاد دیرکل رای دادند. "اوکتو" در سخنرانی پایانی خود خاطرنشان ساخت که حزب کمونیست، به مثابه یک نیرو، نه برای آن در راه تغییر اساسی پیش می روید که از تجربه خویش شرمنده است و یا از ارثیه خود دست می کشد. درست بر عکس، درسايه همین تجربه و ارثیه، تغییرات جهانی را ارزیابی می کند. "ما می خواهیم خیلی چیزها را تغییر دهیم، اما نمی خواهیم از محدوده سنت تاریخی خود فراتر برویم. ما می خواهیم آنها را وسعت دهیم. ما می خواهیم آنها را حل کنیم. به همین سبب ما امروز همه باهم می توانیم بکوئیم؛ بیانید آینده خود را بنا کنیم، بیانید همه باهم در راه دمکراسی، ایتالیا و اروپا و سوسیالیسم مبارزه کنیم".

کمک به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

کمک به

خانواده زندانیان سیاسی

از وین رفیق "ف" ۲۰۰ شلینک
از کلن ۱۹۵

نوژدهمین کنگره (فوق العاده) حزب کمونیست ایتالیا

بیانید همه باهم در راه دمکراسی، ایتالیا، اروپا و سوسیالیسم مبارزه کنیم!

رفت. در عین حال "اوکتو" اظهار داشت همه اینها به معنی انکار سوسیالیسم نیست. بر عکس، هدف عبارت است از دادن خصلت مشخص و ابعاد نوین به سوسیالیسم در مقیاس تاریخی. روندهای شرق قاطعه بروز محولات سیاسی در غرب، بیویه اروپای غربی و بر عکس تأثیر می گذارد.

دیرکل حزب روی این مسئله تاکید کرد که برای نخستین بار در جهان سخن برس وحدت دو ارمان بزرگ است، آرمان آزادی و آرمان برابری. ما شاهد آنیم که در شرق کمبود آزادی از تحکیم برابری جلوگیری کرد. و در غرب برابری دائم تلاش می کرد تا آزادی را محدود کند و بدینسان مانع نظام برابری کامل و عمومی گردد.

مناسبات با جهان کار را در اشکال گوناگون آن کنار نمی گذارد. به همین دلیل باید تصمیم گرفت که آیا ما خواهان افزایش نیروی بالقوه خود از طریق همکاری و جلب نیروهای دیگر جامعه به آن نیروهایی که کمونیست نیستند، ولی آماده اند تا همراه با ما به جستجوی اندیشه و برنامه پیشروی کنند هستیم؟ به نظر وی روند ایجاد سازمان جدید، نه از طریق اتحاد بادیگر احزاب، بلکه از راه پیوستن افراد جداگانه، گروه یا لایه اجتماعی خواهان اتفاق در این روند خواهد بود.

طرقداران و قطعنامه دیگر با مشی "اوکتو" مخالفند. به باور آنها، تغییرات پیشنهاد شده به ازدست دادن چهره ویژه حزب کمونیست و تضعیف موضع نیروهای چپ در داخل کشور خواهد انجامید. طرقداران این قطعنامه ها می گویند که خواهان توسعه و رفعت در حزب مستند، اما در عین حال خواهان درنظر گرفتن ارتباط عقیدتی حرب، حفظ حزب کمونیست ایتالیا به مثابه نیروی مستقل سیاسی و تقویت و تحکیم آن مستند.

ستانور "کوستا"، عضو کمیته مرکزی و

رهبر یکی از گروههای اقلیت، طی سخنرانی در کنگره گفت که در پیشنهاد دیرکل هیچ علت و منطق جدی برای الای حزب کمونیست مشاهده نمی کند. او، خاطرنشان ساخت که این پیشنهاد مورد موافقت فقط ۱۸ درصد اعضای حزب است.

از قطعنامه سوم "ناتا"، صدر حزب و هادارانش دفاع می کنند. آنها هم ضرورتی برای

نوژدهمین کنگره فوق العاده حزب کمونیست ایتالیا که می توان آن را کنگره پایان فعالیت حزب کمونیست و تشکیل حزب نوین غیر کمونیست نامید با انتخاب رهبری حزب جدید به کارش پایان داد. در این کنگره که ۱۱۰ نفر به تاییدگی از جانب ۱/۴ میلیون عضو حزب شرکت داشتند، برای نخستین بار مهمانان از دیگر احزاب کمونیستی به کنگره دعوت نشدند. این بار کنگره فوق العاده باشرکت نمایندگان دیگر احزاب ایتالیا و نیز نمایندگان دولت آن کشور برگزار گردید.

در بحث هایی که قبل از تشکیل کنگره در حزب جهان داشت سه گروه عده بوجود آمد و به همین سبب سه قطعنامه مختلف از حافظ مضمون به کنگره فوق العاده ارائه شد. رهبری گروه نخست یعنی بزرگترین گروه را رفیق اوکتو، دیرکل حزب، بهده دارد. قطعنامه ایجاد سیاستی مركزی، تبیه مربوط به ضرورت تغییر ماهیت و مضمون حزب را او، به اتفاق اکثریت کمیته مرکزی، تبیه کرده بودند. در قطعنامه این گروه گفته می شود که وظیفه عبارت است از آغاز روند اتحاد جهان اصلاح طلب در جامعه ایتالیا برایه برنامه توسعه اجتماعی و سیاسی به منظور تغییر سیمای نیروهای چپ. تغییرات دوران ساز در عرصه جهانی روی می دهد و پایان "جنگ سرد" برداشت گام کمی کنی نوین را پیش روی کمیونیستها گذارد است. در سند خاطرنشان می شود که بحران "سوسیالیسم ساخته شده" خطر ازین وقت آنها سیاستی در دیگر کشورها را بوجود آورده است.

طرقداران "اوکتو" می گویند حرف برس ایجاد سازمان سیاسی جدید، دمکراتیک، خلقی و اصلاح طلب است که در همین راسته نیروهای باز شدند. اما در عین حال خواه کاتولیک ها یا دیگران باز باشد.

"اوکتو" در گزارش به کنگره از جمله خاطرنشان کرد که تغییرات مهمی در جهان روی داده است. پایان دو قطبی بودن توازن قوا، که پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد، یکی از آنهاست. اما تز خلیه سرمایه داری برسوسیالیسم فاقد پایه منطقی است.

او گفت که امروز منافع ملی و برخوردهای طبقاتی باید در چهارچوب حفظ موجودیت بشریت مورد توجه قرار گیرد. به گفته وی در این راه می توان با ایجاد دولت ممه جهانی پیش